

# قسمت سوم - بررسی زبان و ادبیات گیلکی

مرادیان گروسوی

است کاربرد دارد. در شکل با نشانه‌ی «ستن SATAN» واژه‌های مصدری متعدد هستند، اما باید گفت جزء گروه واژه‌های فاعلی هستند که عقیم‌اند.  
چنان‌چه این دسته واژه‌ها را به ضابطه‌های ویژه‌ی خود، جاگذاری کنیم، می‌توانیم از آن، واژه‌ی مصدری متعدد، (مفهولی)/صفت ساده/دایمی/حاصل مصدرشان درآوریم.  
واژه‌ی کالستان = KĀLASTAN = فروریختن مصدر لازم (فاعلی)

کالانن = KĀLANEN = فرو ریزاندن مصدر متعدد (مفهولی)

کال = صفت ساده KĀL = نارس

کلان = صفت دائمی CĀLĀN فراوان

کالش = حاصل مصدر KĀLĀS = تخم‌ریزی(حالی)  
تخم‌ریزی و همسرگریزی - در ماهیان  
و ...

۲- واژه‌های = اوچیناستن/واچیناستن/بایان یافتن = OĀCEN  
جمع کن/واچین. VĀCīN بر چن که با فعل امر کاربرد دارند و  
دیگر واژه‌ها عقیم‌اند چون(اوچیناستن - واچیناستن و ...)  
۳- گروهی از واژه‌های مصدری با نشانه‌های (تن TAN) کاربرد  
دارند، اینان خاقد مصدر متعدد اند و این گروه بیان شده از  
مصدرهای فاعلی هستند.

۱- گفتن. Giftan. گرفن. فرد را به جهت کار اجیر کردن.  
۲- فاگیفتن. FAGiFTAN. گرفن/یک شیء از دست کسی  
گرفتن.  
۳- واگیفتن. VĀGiFTAN. گرفن/دیگ از روی اجاق برداشت.  
۴- مختن. MAXTAN. قدم زدن.  
۵- دمختن. DAMAXTAN. لگدکوب کردن  
۶- وامختن. VĀMAXTAN. جستجو کردن.  
۷- واهشن. VĀHĀSTAN.  
۸- گشتن. GĀSTAN. گردش کردن. گزیدن را هم بدان بیفرایم  
کاربردی دیگر.

۹- وارُفتن. VAROFTAN = غارت کردن/همه چیز را  
بردن/جاروب کردن/که واروختن هم گویند.  
واژه‌های بالا، با معنایی که شده است، خصوصیات ویژه‌ی  
به خود را دارند. اگر کاربردی غیر از این که گفته شده است،  
برایش قابل شده‌ایم، قدرت دگرگونی شکلی را هم در توان  
دارند به معنای ردیف ۹ توجه کنید:  
اگر گشتن به گزیدن معنی شود و گزائنن را در پی داشته  
باشد که معنای دیگر این واژه است و گیفتن به واگیر انشن؛(زم  
زدن. روشن کردن) معنی شود، قدرت دگرگونی و باری سرشار  
از معنارا به واژه می‌دهد که در واژه‌ی گیلکی موجود است توان  
آن را دارد از قوه به فعل درآید و کاربردی تر شود.  
ت:

گروهی از واژه مصدرهایی که به «ستن SATAN» ختم  
می‌شوند دارای مصدر مفعولی نیز هستند دو نمونه که عقیم -  
نازا - هستند در پایان آورده شده که قابل تأمل است.  
ذکر این نکته لازم و ضروری است که در زبان گیلکی

ت :

گروه مصدرهایی که به (تن TAN) ختم می‌شوند خود به  
دسته‌هایی چند تقسیم می‌شوند از آن جمله

۱- واژه‌هایی که شکل مصدر لازم (فاعلی) و مصدر متعدد  
(مفهولی) آن یکسان است چون ...

دوکوفتن. لازم DUKOFTAN پا به سنگ زدن «پیشوندی»  
فاعلی دوکوفانن. متعدد DUKOFTANEN پا به سنگ زدن،

کوبانیدن پیشوندی مفعولی

چیشتن. لازم ĀCīSTAN چشیدن. فاعلی

چشائش. متعدد ĀCīŠANEN چشیدن مفعولی

دوکوشتن. لازم DUKUSTANEN = خاموش شدن  
(روشنایی و چراغ). پیشوندی فاعلی

دوکشائش. متعدد DUKUŠANEN خاموش کردن.  
پیشوندی مفعولی.

دوغوشتن. DUqUŠTAN = خفه شدن(آب). فاعلی به  
گویش ساکنان ازلى.

دوغوشائش. DUqUSANEN خفه کردن.

دوخوشتن. DUXOSTAN هم شنیده شده است = خفه  
شدن.

دوخوشاشائش. DUXUŠĀNEN = خفه کردن

اوکوفتن. OKOFTAN = شگون داشتن

اوکوفانن. OKOFĀNEN = به شگون وادر کردن.

۱- وارستن. VĀRASTAN باریدن. وارائن VĀRĀNEN  
بار ایندند.

۲- ساوستن. SĀVASTAN = ساییدن. ساوائن SĀVĀNEN  
ساياندن.

۳- چوستن. ĀCAVASTAN = مکیدن. چوانن ĀCAVANEN  
میکانیدند.

۴- دوچوکستن. DUČUKASTAN = چسبیدن. دوچوکائیش  
DUČKĀNEN = چسبانیدن.

۵- پرکستن. PARKASTAN = لرزیدن PARKEN پرکشن  
پرکائیش PARKĀNEN = لرز ایندند.

۶- لرزستن. LARZASTAN/LARAEN = لرزیدن لرزئین  
LARZANEN = لرز ایندند.

۷- رمنتن. RAMASTAN /RAMEN = RAMEN/RAMEN رمانیش  
RAMEN رمانیش / RAMĀNEN رمانیش = رمانیدن.

۸- فه ورستن. FAVARASTAN = بلعیدن. فروانائیش  
FAVARĀNEN = بلعانیدن.

۹- چرستن. ĀCARASTAN/ĀCAREN = چریدن. چرانائیش  
ĀCARĀNEN = چر ایندند.

۱۰- چمستان. ĀCAMASTAN/CAMEN = خمیدن چمانیش  
ĀCAMĀNEN = چمانیدن/خمانیدن.

و این واژه که شکل دیگر واژه‌های «اوچن». OĀCEN  
جمع کردن (به شکل اوچیناستن = OĀCINASTAN و به معنای

جمع شدن است. هم چنین واژه واچیناستن. VĀCINASTAN

جر خوردن است که شکل دیگر آن واژه‌ی واچن VĀCEn

۲۸